

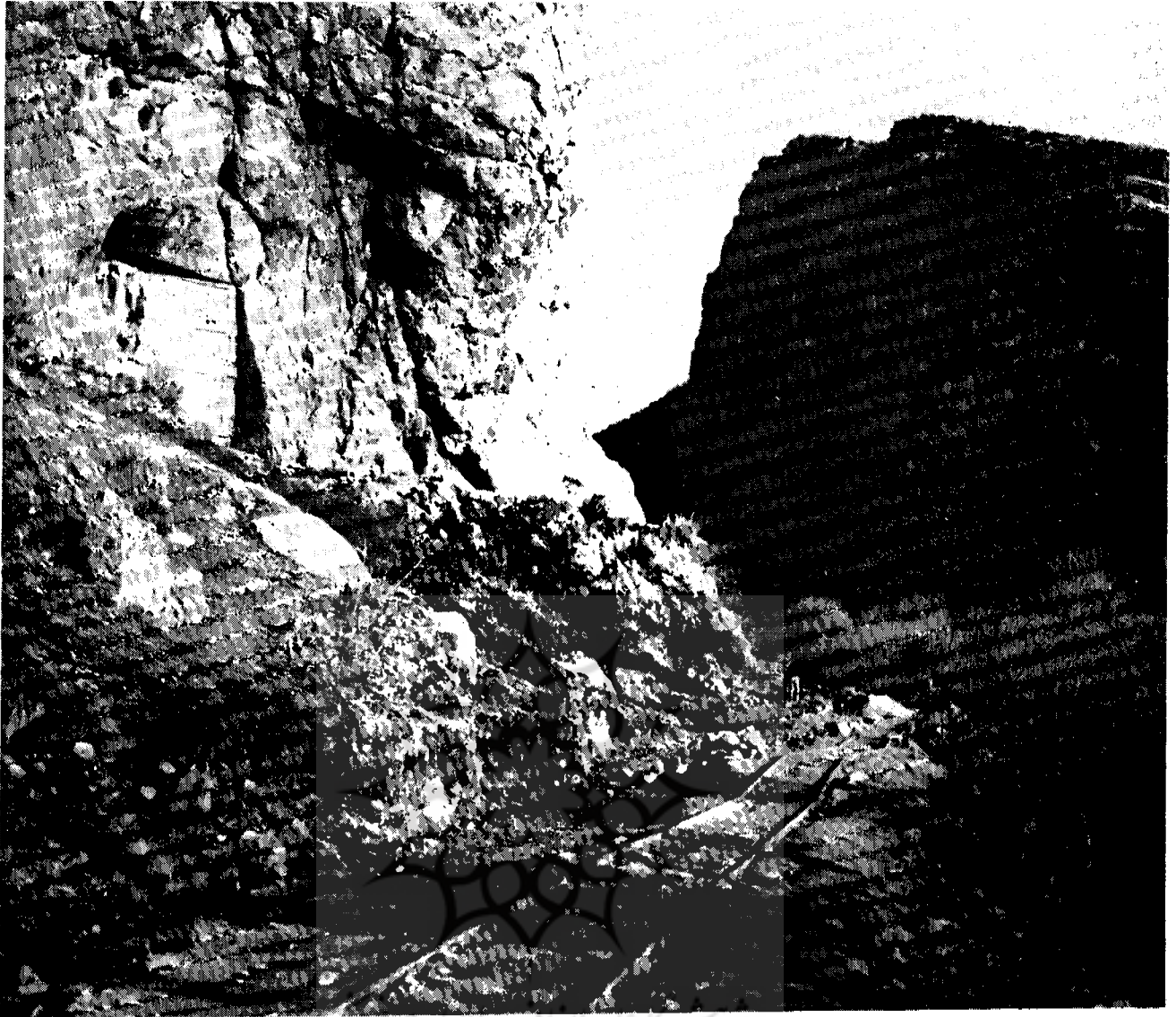
# نقش برجسته‌هایی که دوبار ظاهر شدند

علی اکبر - سرفراز

نشان میدهد و در سایر نقوش صحنه‌های تاج‌ستانی و نبرد با حیوانات درنده و یا شاهنشاه‌ها در میان درباریان و خانواده‌اش پدیدار ساخته‌اند. همه نقش برجسته‌های بهرام دوم و بهرام اول و شاپور در سمت راست رودخانه در این تنگ متجاوز از یک‌ترن‌ونیم گذشته مورد بازدید و مطالعه دانشمندان و جهانگردان و خاورشناسان قرار گرفته و مطالبی در مورد این نقوش و معرفی آنها منتشر ساخته‌اند، چنانکه دومین نقش برجسته بهرام دوم را در مقابل بادیه‌نشینان عرب که توسط یک سردار ایرانی با هدایای اسب و شتر معرفی میشوند، راولین سن و دیولافوا صحنه پیروزی بهرام را بر سکا‌های شرقی تصور نموده‌اند، یا همچنانکه گذشت اولین نقش را متعلق به شاپور دوم دانسته‌اند، ولی فعلاً بحث ما در معرفی و شناخت بیشتر این آثار نیست بلکه یادآوری این مطلب است که در سینه این کوه فقط نقش برجسته‌های بهرام دوم بطور کامل در معرض دید و مطالعه بوده است، و دونقش دیگر که مربوط به بهرام اول و شاپور یکم است بطور کامل مشاهده نگردیده، بلکه قسمتی از نقوش متجاوز از سیصد سال از انظار مخفی بوده است و هم اکنون برای دومین بار ظاهر شده‌اند: بنابراین از سیصدسال پیش این قسمت از نقش برجسته‌ها بعللی که شرح داده خواهد شد در زیر خروارها گل ولای و سنگ و شفته مدفون شده بودند، و کسی از آن تاریخ تا امروز از این آثار مهم آگاهی نداشت، این آثار مخفی قسمتی از نقش برجسته‌های دومین و چهارمین نقش تنگ چوگان میباشد که مربوط به صحنه‌های تاجگذاری بهرام اول و مجلس ضیافت و پیروزی شاپور یکم است. ولی پیش از اینکه به معرفی دومین نقش پردازیم موجباتی را که باعث مدفون شدن قسمتی از این نقوش برجسته شده‌اند بنظر میرسد.

در دره شمالی ویرانه‌های شهر تاریخی بیشاپور تنگ معروف به چوگان قرار دارد که رودخانه زیبا و پرآب شاپور در آن جاریست. در سمت راست این رودخانه بر سینه کوه چهار نقش برجسته و در طرف چپ دو نقش مهم و ارزشمند از دوره ساسانی بشرح زیر حجاری شده‌اند.

اولین نقش از سمت راست رودخانه عبارتست از یک واقعه تاریخی که در زمان بهرام دوم اتفاق افتاده، و صحنه نقش در چند ردیف حجاری شده است. در مرکز مجلس شاه ساسانی که بهرام دوم است و او را باستناد تاج و مشخصاتش خوب میشناسیم (قبلاً تصور شده بود که شاپور بزرگ میباشد) بر روی تخت نشسته و در دست راست نیزه بلند و در دست چپ قبضه شمشیری را گرفته، در سمت راست شاه ساسانی درباریان و سرداران ایرانی در دو ردیف نقش شده‌اند، و در طرف چپ اسرای جنگی را می‌بینیم که بوسیله سرداران ایرانی بزنجیر کشیده شده‌اند، و دست‌های آنان را از پشت بسته‌اند، و جلادان سرهای بریده دشمنان را در مقابل شاه در دست دارند. جالب آنستکه برطبق تشخیص پیکرشناسان این زمان یکی از سرهای بریده متعلق به شهردار (شاه) ساسانی است. و در حقیقت نقش مذکور حاکی از پیروزیها و فتوحات بهرام دوم است، زیرا از بهرام دوم در همین مکان تنگ چوگان نقشه برجسته دیگری وجود دارد که سران عرب با هدایای اسب و شتر در مقابل شاهنشاه ساسانی حضور یافته‌اند، اگرچه واقعه تاریخی این نقش در کتیبه‌های زمان ساسانی منعکس نیست ولی در حقیقت هر دو نقش تنگ چوگان از بهرام دوم حکایت از پیروزیهای دوره ۱۶ ساله سلطنت او دارد. چه از این پادشاه بیش از سایر شاهنشاهان ساسانی نقش برجسته باقیمانده است و تقریباً تعداد آنها به ۹ نقش میرسد. ولی فقط نقوش برجسته تنگ چوگان اهمیت پیروزی بهرام را



نمای تنگ چوگان و قسمتی از نقش برجسته‌های این تنگ و کوشش سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران در این مکان بمنظور احداث کانال انحرافی و نجات نقوش از لطمات جریان آب در روی آنها.

رودخانه بسختی صورت میگرفت و با خطر افتادن از ارتفاع ۷ متری مواجه بود، باین ترتیب که از فاصله ۲۰۰ متری اولین نقش، کانالی از رودخانه شاپور منشعب و در پای نقش‌ها حدود ۷/۵ متر بالاتر از سطح آب رودخانه و در مجاورت آنها جاری میگردد و با عبور از پیچ و خمهای طبیعی کوه در بعضی جاها مسیر آب سنگ کوه را بمرور سائیده و جا پیدا کرده است، و از آنجمله است سه نقش برجسته و ارزشمند دوره ساسانی که از این آسیب دورمانده بودند،

### چگونگی ظاهر شدن مجدد نقوش :

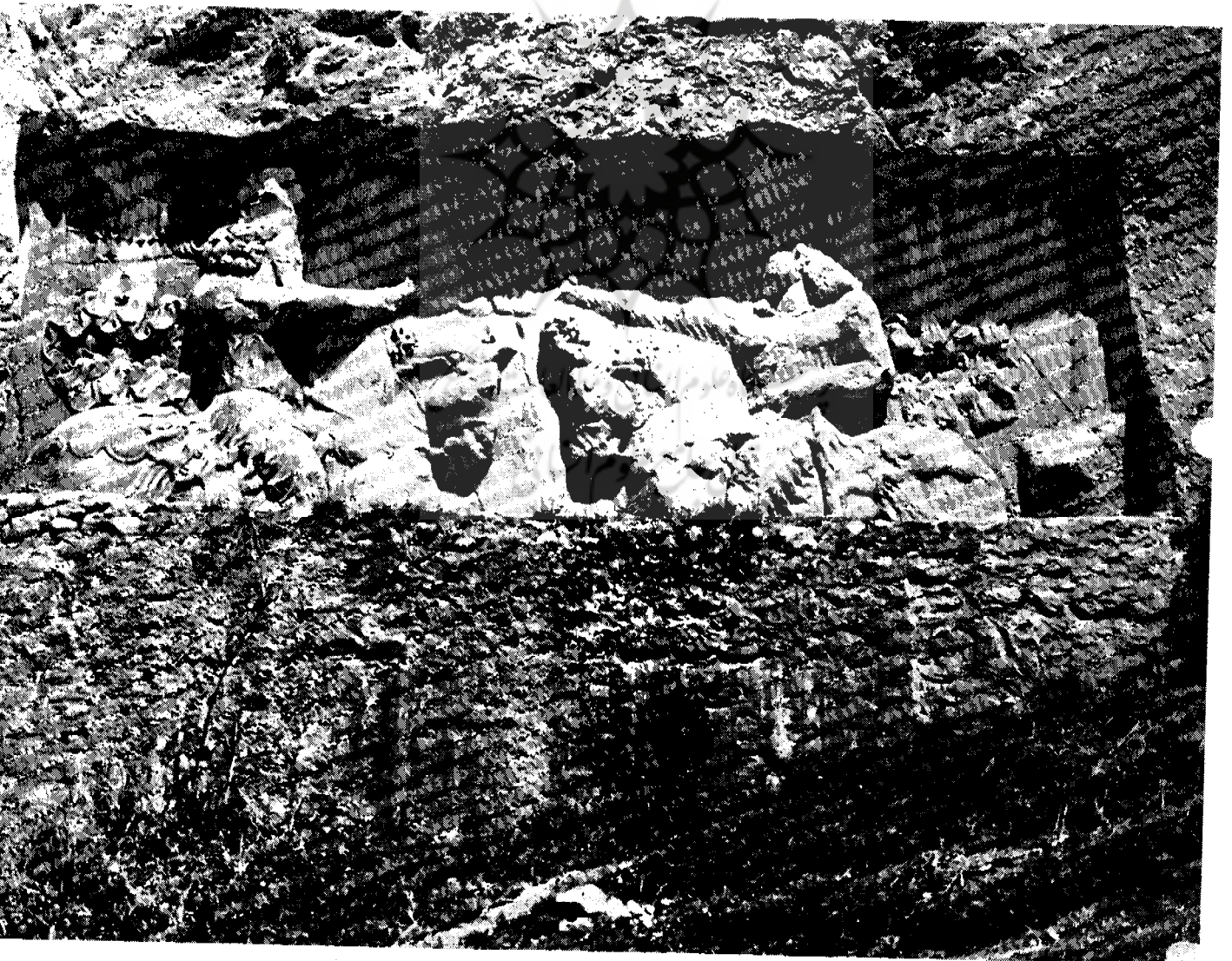
برطبق مطالعات و تحقیقاتی که ضمن پی‌کنی و خاکبرداری از جلوی نقش برجسته‌های تنگ چوگان بمنظور طرح حفاظتی آنها و ایجاد کانال انحرافی و نجات نقش برجسته‌ها که طی سالیان دراز با جریان آب از رود مجاور آنها روبه‌سایش و ریزش نموده بود انجام گرفت و از طرفی ایجاد یک راه مناسب برای مطالعه علمی و بازدید علاقمندان از این نقوش که قبلاً از لبه‌های کانال قدیمی مجاور نقوش در حاشیه



برای حفظ و صیانت این آثار سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران در سال ۱۳۵۳ تلاش خود را آغاز کرد و در ضمن همین تلاش که با مطالعه علمی و پژوهشهای باستانشناسی توأم بود معلوم گردید که استفاده از آب رودخانه شاپور در سمت راست رودخانه یعنی در همین مکان مورد بحث به منظور مشروب نمودن اراضی و ایجاد باغهای اطراف قریه عمومی (زمینهای زیر آب این کانال) از دهانه تنگ چوگان و فاصله ۵۰ متری آخرین نقش برجسته (مجلس پیروزی شاپور) از رودخانه در زمان دیالمه صورت گرفته است و از آن پس بتدریج که زمینهای زراعتی و باغها توسعه می‌یافت و بدامنه ارتفاعات نزدیکتر میشدند بالاچار سطح آب کانال نیز بطرف بالای رودخانه کشیده میشد، تا اینکه قریب ۳۰۰ سال پیش توسعه

باغها کاملاً بحد نهائی و دامنه کوه رسید، مهمترین اثر و بقایائی که از توسعه این باغها در سیصد سال پیش باقی است دو درخت کهنسال در دامنه کوه قلعه اردشیر از ارتفاعات تنگ چوگان در حاشیه کانال قدیمی است، یعنی همان چوئی که آب را از سینه کوه و از قلب نقوش برجسته ساسانی عبور داده و درختان فوق‌الذکر را آبیاری و پرورش داده است. بنابراین در حدود سیصدسال پیش برای اولین بار آب در کانالی جاری میگردد که یک بدنه آن کوه و بالطبع همان نقوش بوده‌اند، و در طی ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال گذر آب فرسایشی عمدتی در حدود ۴۰ سانتیمتر بر روی بدنه کوه و نقوش که از نوع سنگهای آهکی بوده و بمرور درخود حل کرده، یا باصطلاح خورده است ایجاد نمود. تا اینکه این عمل

نقش برجسته بهرام اول و اهورامزدا در مراسم تاج‌ستانی، پیش از احداث کانال انحرافی توسط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، نقش مزبور تاکنون بهمین صورت شناخته و معرفی شده بود.



انظار مخفی شده است . با وجود براین درمواقع پرآبی و بارندگی بعلت گودالهایی که در پای نقوش ایجاد شده بود پیوسته بر روی آنها آب متراکم وجود داشت و بتدریج باعث اضمحلال و انهدام آنها را فراهم میساخت ، بطوریکه نقش برجستهها شروع بهتغییر رنگ داده و ریزش نموده بودند . لذا اجرای برنامهایکه بتواند ازیک طرف از خرابی بیشتر نقش برجستهها جلوگیری و از جهتی برای مطالعه و بازدید علاقمندان آماده نماید تغییر مسیر آب جلوی نقوش نهایت ضرورت را داشت . این برنامه که با کمک و یاری سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران جامعه عمل پوشیده با کوشش مداوم و شبانه روزی متجاوز از ۱۰۰ نفر کارگر برای مدت ۵ ماه بطول انجامید و با احداث یک شتر گلو بطول ۲۵۰ متر

نابخردانه سودجویان پس از گذشت قریب ۲۰۰ سال مورد انزجار و تنفر شخص فرهنگ دوست و هنرشناس و متعصب به آثار و مفاخر ملی درعین حال گمنامی قرار میگردد و دستور میدهد که با ایجاد شتر گلوئی آب را از روی نقش سوم و ایجاد فاصله ای در حدود ۲ متر در مجاورت آثار از روی سایر نقوش دور سازند ، چنین بنظر میرسد که این شخص خیر با دیدن نقش سوم که آب از سینه نقوش جاری بوده است تصور کامل نقش را نموده و آب را بصورت شتر گلو میگذازند و دونهش دیگر را با آنکه صدمه دیده بوده اند ، تصور میکنند که پایه نقوش بوده و باقی ندارند ، و لذا برای دونهش دیگر فقط فاصله جریان آب را به اندازه ۲ متر از پای نقوش دور میسازد ، در حالیکه بقایای این دونهش در همان کانال کشی اولیه از

پس از احداث کانال انحرافی توسط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران و جریان آب در لوله . تخریب کانال قدیمی جلوی نقوش برجستهها آغاز گردید .







سیمای نقش برجسته بهرام اول پس از ایجاد کانال انحرافی و برداشتن جوی قدیمی. لطمات جریان آب در طول زمان باعث از بین رفتن دست و باهای اسب نقش برجسته گردیده و در تصویر کاملاً لطمات جریان آب در کانال قدیمی دیده میشود.

رتال جامع علوم انسانی

شده‌اند که از آن جمله است دومین نقش برجسته این تنگ. دومین نقش: مراسم تاجگذاری بهرام اول (۲۷۳ - ۲۷۷ میلادی) میباشد. در این نقش برجسته بهرام اول و اهورامزدا هر دو بر اسب سوارند و اهورامزدا فره ایزدی را به شاهنشاه ساسانی اعطا می‌کند، پوشاک و سلاح شاه و اهورامزدا جز تاج آنها وضع یکنواختی دارند، حتی آرایش اسبهای آنها شبیه‌اند. نقش مذکور درست در مقابل نقش برجسته شاپور اول پدر بهرام که در سمت چپ رودخانه برسینه کوه نقش شده و بهمان شیوه و سبک حجاری شده است این قسمت از نقش دارای کتیبه‌ای است که در گوشه سمت

در حاشیه رودخانه شاپور و در مقابل نقوش و نصب لوله‌های آهنی بقطر ۸۰ سانتیمتر و ضخامت ۴ میلیمتر باتمام امکانات ایمنی و ایجاد حوضچه‌ای بطول ۱۰ متر و پهنا و عمق یکمتر و نیم جهت ته‌نشین رسوبات و همچنین نصب درپوش‌هایی بمنظور لارویی و ترمیم لوله‌ها در مواقع ضروری و ایجاد مساده‌ای حداقل به پهنای ۳ متر بر روی آن جهت بازدیدکنندگان، سرانجام روز چهارشنبه ۲۲ فروردینماه سال گذشته آب در لوله‌ها جاری گردید و ضمن نجات نقوش از لطمات رطوبت و آب قسمتی از آثار که بعلت فوق‌الذکر چندین قرن از انظار مخفی مانده بود ضمن خاکبرداری ظاهر

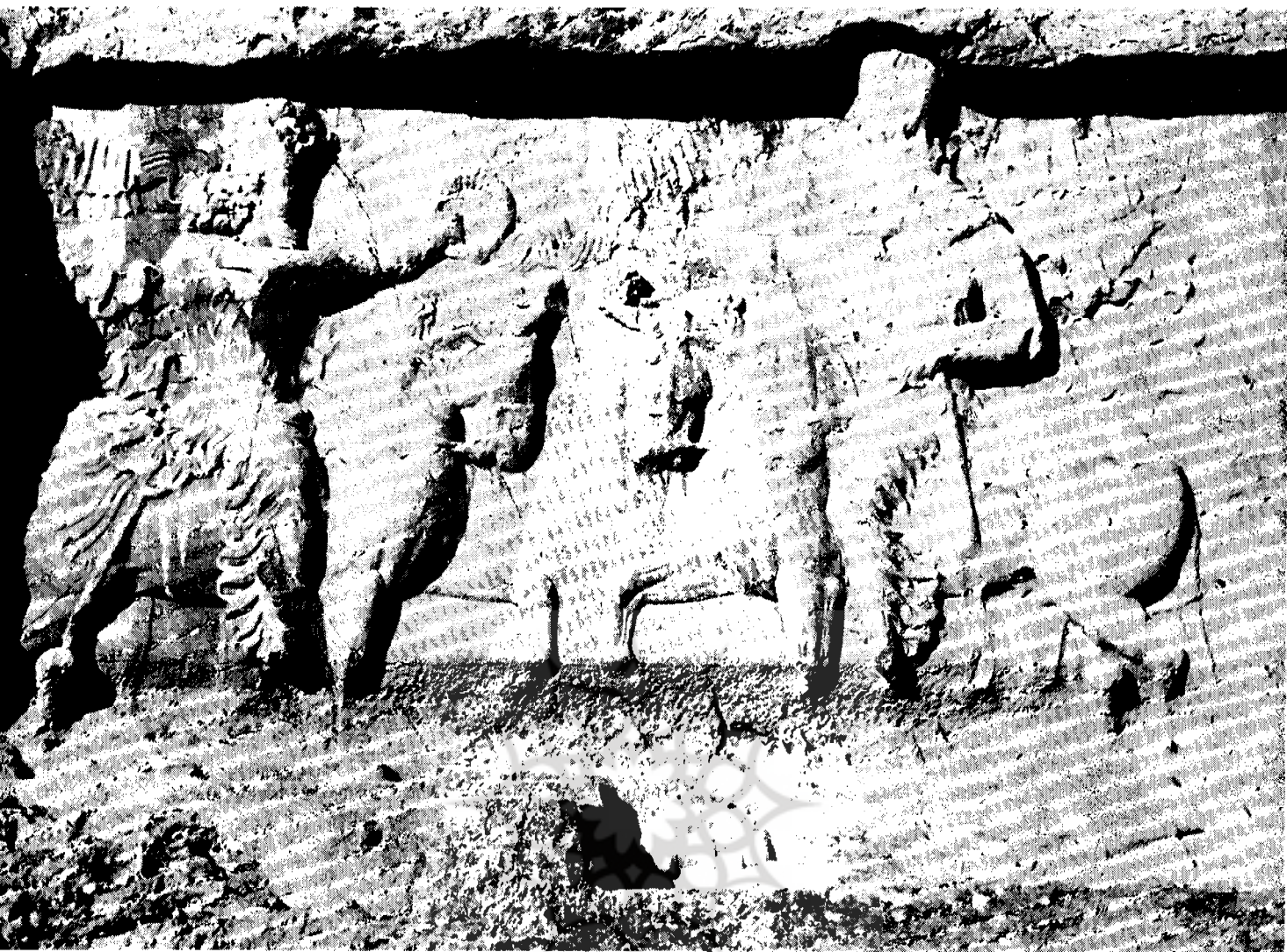
راست و بالای نقش یعنی در پشت سر بهرام به پهلوی نقر شده، و خاورشناسانی چون موریر انگلیسی (درسال ۱۸۰۹ م درسال ۱۸۴۵ دویسد Dehede ) درسال ۱۸۵۱ فلاندن دکست فرانسوی درسال ۱۸۸۴ دیولافوا فرانسوی و در عصر حاضر پروفیسور زاره آلمانی و تالبورایس و پروفیسور گیرشمن و پروفیسور واندنبرگ از آن دیدن، کرده‌اند. ولی ضمن خاکبرداری از پایه این نقش برجسته نقش دیگری در زیر پای بهرام اول نمودار گردید که مدت متجاوز از سه قرن مدفون شده بود. و کسی از آن آگاهی نداشت، کیفیت نقش به گونه نقش گوردیانوس امپراطور شکست خورده روم در زیر پای اسب شاپور اول پدر بهرام است ولی قیافه و پوشاک آن مخصوصاً کلاهش شرقی است و در بخش فدائی انحنائی وجود دارد که در سایر نقش برجسته‌های دوره ساسانی نظیر آن با مختصر اختلافی وجود دارد ولی این شخص با مشخصاتی که دارد شناخته نشده یا لاقلاً اینجانب از نظر پیکرتراشی و شناخت آنها موفق به تشخیص آن نشده‌ام ولی مسأله مهم در وهله اول بررسی و شناخت نقش از نظر ارتباط با نقش اصلی یعنی شاهنشاه غالب، بهرام اول است. بطوریکه آگاهییم منظور از حجاری نقوش برجسته شاهنشاهان ساسانی بر صخره‌ها نشان دادن مجد و عظمت و کارهای غرورآمیز آنها بوده است تا مردم و همه جهانیان آنچه کرده‌اند تبلیغ نمایند. که اغلب ماجراهای نقوش نیز با واقعیت تاریخی و رویدادهای زندگی آنان صدق میکرده است، چنانکه صحنه‌های نقش برجسته‌های اردشیر و شاپور اول یعنی جد و پدر بهرام بنابر تحقیقاتی که شده همگی حاکی از یک رویداد تاریخی بوده مانند غلبه اردشیر بر اردوان یا پیروزی شاپور بر گوردیانوس یا والرین امپراطوران روم که اسناد تاریخی این واقعه مهم را تأیید میکند، چنانکه کتیبه کعبه زردشت بصراحت پیروزی شاپور و سایر حوادث را ثبت کرده است. بنابر این در بدو مشاهده نقش فوق‌الذکر چنین تصور میشود که بهرام بر شخصی غالب آمده است، بویژه که در این نقش برجسته بهرام برخلاف سایر شاهنشاهان ساسانی با قیافه جدی و برسطوت و ابهت حجاری و دارای ظرافت فوق‌العاده است و نسبت به سایر نقوش زمان ساسانی امتیاز هنری بیشتری دارد.

با توجه به اینکه در مدت قریب سه‌سال سلطنت بهرام (۲۷۳ - ۲۷۶ میلادی)<sup>۱</sup> هیچگونه کشمکش سیاسی روی نداده و سلطنت بهرام اول در کمال آرامی گذشته و جنگ و نبردی که حاکی از پیروزی باشد دیده نمیشود باید چنین تصور کرد که دشمن مغلوب بهرام مفهومی نظیر پیروزی اهورمزدا یعنی خدای روشنائی و نیکی بر بدی و تاریکی دارد، و چون در این نقش تصویر اهریمن در زیر پای اسب اهورامزدا حجاری نشده بنابر این موضوع نقش دشمن بهرام نیز منتفی

میشود، ولی یک بررسی تاریخی را در زمان رسیدن سلطنت بهرام ایجاب میکند. پس از مرگ شاپور یکم در سال ۲۷۳ میلادی پسر بزرگ شاپور هرمزد که در کتیبه‌ها به هرمزد اردشیر معروف است پیادشاهی رسید وی در زمان حیات پدرش بعنوان ولیعهدی انتخاب شده بود و عنوان شاه ارمنستان را داشت مدت سلطنت هرمزد از چند ماه تجاوز نکرد<sup>۲</sup> ولی چون مقدمات رسیدن به سلطنت او از طرف پدر تهیه شده بود، بنظر میرسد فوق‌العاده مورد علاقه شاپور بوده است، حتی شاپور برای او آتشی برپا ساخته بود. سکه‌های از این پادشاه وجود دارد که شاخص هویت او چه پیش از تاجگذاری و بعد از تاجگذاری میباید. ولی نقش برجسته‌ای که مراسم تاجگذاری او را تأیید کند تاکنون یافته نشده است و بعید بنظر میرسد نقشی که از شاهنشاه ساسانی در حال گرفتن فره ایزدی از اهورامزدا در نقش رجب وجود دارد و صورت او کاملاً محو شده مربوط به هرمزد اردشیر باشد. در تقسیم‌بندی تاجگذاری شاهنشاهان ساسانی برخی از خاورشناسان چنین تعموری نموده‌اند، در صورتیکه قطعی نیست، حتی کوشش پروفیسور هینس آلمانی برای جلوه دادن نقش برجسته شاپور در تنگ قندیل به هرمزد و پسر او هرمزک مورد اقبال قرار نگرفت<sup>۳</sup> و با توجه به اینکه حجاری نقوش بر صخره‌های کوه با عامل زمانی و طول سلطنت بستگی کامل داشته، بعید بنظر میرسد که قریب یکسال و اندی سلطنت هرمز موفق به ایجاد نقشی شده باشد. مضافاً باینکه در اواخر سلطنت شاپور - پدر هرمز، امپراطور روم (اورلیانوس) موجب تحریکاتی بر علیه ایران شده بود که دامنه جلوگیری این تحریکات به دوران کوتاه سلطنت هرمز رسید، و او بر این تحریکات فائق آمد و از آن پس بعات اختلافات داخلی و رقابت‌هایی که در روم آغاز شده بود برخوردار مهمی که موجبات لشکرکشی و یا زدو خورد با رومیان باشد در ایران حتی تا اواخر سلطنت بهرام اول پیش نیامد<sup>۴</sup>. ولی بهمان اندازه که رسیدن سلطنت هرمز روشن است، علت مرگ یا کناره‌گیری او از پادشاهی معلوم نیست، کرتیر در کتیبه زردشت در مرگ اومی نویسد: هرمزد شاه شاهان به جایگاه ایزدان دست یافت، وی در مدت

- ۱ - فارسنامه ابن بلخی مدت سلطنت بهرام را سه سال و سه ماه ثبت کرده است.
- ۲ - مدت سلطنت او در فارسنامه ۲ سال آمده است، ولی بر طبق تحقیقاتی که شده فقط مدت کمی سلطنت داشته است.
- ۳ - نقش برجسته مهم وارزشمند تنگ قندیل که نگارنده آنرا پیدا کرده است همچنان مورد بحث مجامع باستانشناسی جهان است ولی نظر اینجانب تاکنون رد نشده است.
- ۴ - در زمان سلطنت بهرام دوم اورلیانوس در (روم) کشته شد.





منظره کامل تاجستانی بهرام اول از اهورامزدا، و نقش برجسته مکشوفه در زیر پای اسب بهرام که برای اولین بار نمودار و معرفی میشود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

و نشانه سلطنتی ندارد. نظر ما معطوف به تنها کسی میشود که در زمان سلطنت بهرام اول به قتل رسید و او هم مانی است. مانی بدعت‌گزار آئین مانویت کوشش‌های مذهبی خود را در زمان شاپور آغاز کرده بود، و رقیب سرسخت کرتیر هرید زمان شاپور بود، آئین مانی توسعه روزافزون جهانی پیدا کرده بود و پیروان زیادی در مصر و هند و آسیای صغیر و یونان و روم پیدا کرده بود، حتی شاهپور در وهله اول سلطنت با او خوش‌رفتاری و مدارا میکرد، و در روز تاجگذاری شاپور یعنی آوریل سال ۲۴۳ میلادی توسط برادر شاپور پیروز که بمانویت گرائید بحضور شاپور بار یافت و

مرگ بین ۴۵ تا ۴۷ سال داشته است.

با مرگ هرمز اردشیر پسر دیگر شاهپور یعنی بهرام اول که در زمان پدر عنوان گیلان‌شاه را داشت به سلطنت رسید، ولی هیچگونه اطلاعی که بهرام داعی سلطنت بوده و موجبات مرگ برادر را فراهم ساخته است یا با او به‌ستیز و نبرد پرداخته نداریم که تصور کنیم نقش مغلوب نقش هرمزد اردشیر است، چون نرسی پسر دیگر شاپور بیش از دیگران خود را شایسته ولیاقت سلطنت میدانسته و بهرام برادرش را غاصب سلطنت معرفی میکند. بنابراین با توجه به اینکه شخص مغلوب در زیر پای اسب بهرام اول هرمزد نیست و حتی علائم



جزئیات کلاه و آرایش نقش برجسته مکشوفه در زیربای اسب بهرام اول در تنگ چوگان .





نمای نقش مکشوفه در زیر پای اسب بهرام اول و محل جریان آب کانال قدیمی در تصویر که باعث فرسایش دست و پای اسب بهرام گردیده .

ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ولی پیروان مانی بیش از آن بوده که بهرام نقش او را بعنوان يك دشمن مغلوب بصورت نقش برجسته در مقر سلطنتی خود در سینه کوه در زیر سم اسبش بنمایش گذارد . متأسفانه از قیافه و نوع آرایش و پوشاک مانی نیز هیچگونه آگاهی نداریم، فقط در نقاشی‌های تصاویر غار خوجو قیافه مردی را با هیئت مغولی نشان داده‌اند که تصور می‌کنند مانی باشد ، که دارای ریش دوشاخه و سیل آویخته است و در پشت سر او هاله‌ای از نور خورشید ساطع شده اگر چنین باشد نقش مکشوفه در تنگ چوگان بطور یقین تصویر مانی نیست . اما میدانیم که در زمان نرسی پیروان مانی موجبات عقب‌زدگی کرتیر و تجلی خود را فراهم نموده‌اند . وقیافه نقش هم به گونه‌ای نیست که بطور قاطع نقش مکشوفه را به مانی نسبت دهیم ولی کیفیت

کتاب شاپورگان را بهمین مناسبت به شاهنشاه مقتدر ساسانی تسلیم کرد . ولی تحریکات و وسوسه‌های کرتیر باعث شد که شاپور به مانی بدبین گردد ، و مانی که احساس خطر میکرد از ایران به آسیای مرکزی رفت . قدرت کرتیر بتدریج در زمان هرمز واردشیر بالا گرفت و وقتی مانی در زمان بهرام اول به ایران برگشت در بیشاپور مقر سلطنت شاهنشاهان اولیه ساسانی بحضور بهرام رسید بهرام سردی با او مواجه شد و سرانجام او را بدست کرتیر و قضاوت‌های او سپرد تا پس از يك محاکمه کوتاه زندانی و سرانجام در بیشاپور به قتل رسد . (برخی تصور کرده‌اند که در جندی شاپور به قتل رسیده و حتی پوست او را کنده و پراز گاه بر دروازه شهر آویخته‌اند) مانی اعدام شد و پیگرد مانویان آغاز گردید .





تصویر کامل نقش برجسته مکشوفه در زیر پای اسب بهرام اول پس از پاک کردن آن از قشر رسوبات آب.

ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

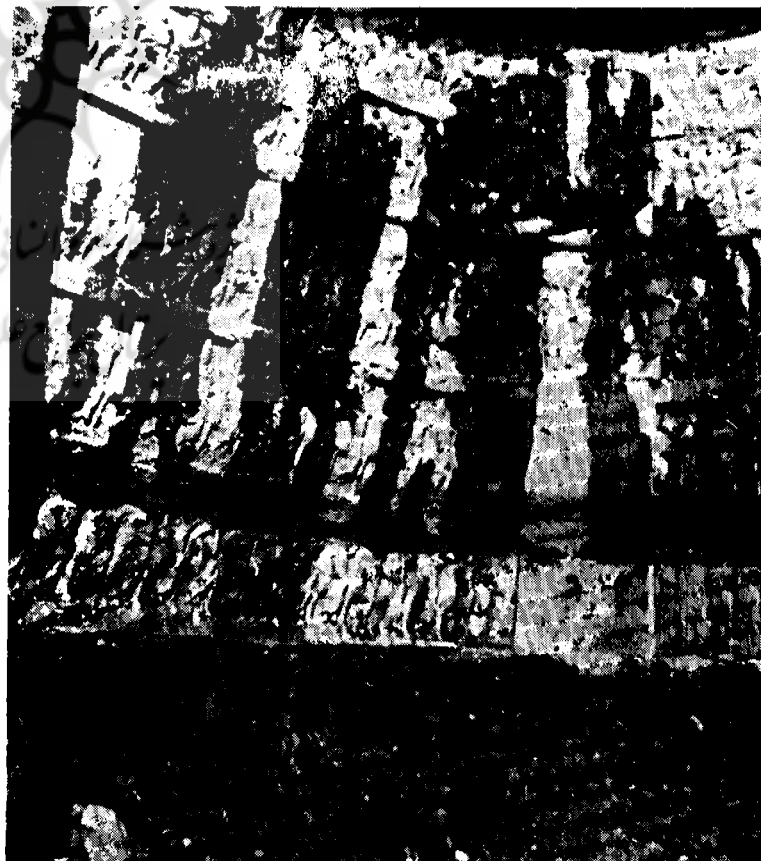
مورد بحث اقدام به کوه‌بری و حجاری کف اولین نقش به گونه‌ای نموده‌اند که پای اسب بهرام بر روی نقش غلطیده مغلوب قرار گیرد، و تباین ظرافت نقش بهرام و شیوه هنرمندانه‌ای که در خلق این اثر و عکس آن در نقش مغلوب دیده میشود کاملاً گویای چنین تصویری است. اینک که تا اندازه‌ای روشن گردید که این اثر بعد از سلطنت بهرام یکم بوجود آمده، بررسی و تحقیق دیگری را ایجاب مینماید که اگر نقش ارتباطی به نقش بهرام اول ندارد چرا بصورت دشمن مغلوب بهرام جلوه گر شده است.

در حقیقت اصل مطلب در همین است اما کتیبه نقش مذکور که قبلاً مشروح افتاد کاملاً وضع را روشن میکند این کتیبه که بخط پهلوی (فارسی میانه) است چنین است:

حجاری این نقش برجسته به صورتی است که اگر در شناخت مغلوب و در غلطیده زیر اسب بهرام اول کمک نمی‌کند ولی تاریخ ایجاد نقش را بعد از زمان سلطنت بهرام کاملاً بشبوت میرساند.

توضیح اینکه وضع نقش برجسته بهرام در مراسم تاج‌ستانی از اهورامزدا با توجه به سبک و هنر حجاری آن هرگونه ارتباطی را با نقش برجسته مغلوب از بین میبرد و کاملاً نمایشگر آنستکه نقش مغلوب پس از نقش تاج‌ستانی بهرام اول بوجود آمده، از طرفی کیفیت حجاری کوه نیز چنین وضعی را القا میکند، باین ترتیب که حاشیه پایان نقش بهرام اول و اهورامزدا نشان میدهد که نقش در یک سطح افقی و متناسب حجاری شده‌اند. ولی بعداً برای ایجاد نقش









ضمن تخریب کانال قدیمی نقش برجسته اسبان سواران ایرانی که قشری از رسوبات آب روی آنها را پوشانده بود برای اولین بار نمودار شدند. صفحه مقابل :

بالاراست: چهارمین نقش برجسته تنگ‌چوگان مجلس پیروزی شاپور بر امپراطوران روم میباشد که پس از احداث کانال انحرافی کارگران مشغول تخریب کانال قدیمی و قطع جریان آب از روی نقش برجسته‌های ارزشمند دوره ساسانی میباشد. نقش فوق‌الذکر تاکنون بهمین شکل دیده و معرفی شده بود.

بالاچپ: دومین نقش برجسته پیروزی بهرام دوم پیش از احداث کانال انحرافی توسط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران. بطوریکه در تصویر دیده میشود، کانال آب قسمتی از میان نقش برجسته را بریده و بعداً بفاصله ۴ متری آن کانال جریان آب دیگری از ۱۰۰ سال پیش بوجود آمده که در آن آب جاری است و هیئت کاوشهای باستانشناسی مشغول تمیز کردن نقش و قطع درختان و بوته‌های خودرو از روی نقوش هستند. پائین راست: سیمای کلی چهارمین نقش برجسته تنگ‌چوگان (مجلس پیروزی شاپور بر امپراطوران روم) که برای اولین بار پس از گذشت سیصد سال مجدداً ظاهر و معرفی میشوند.

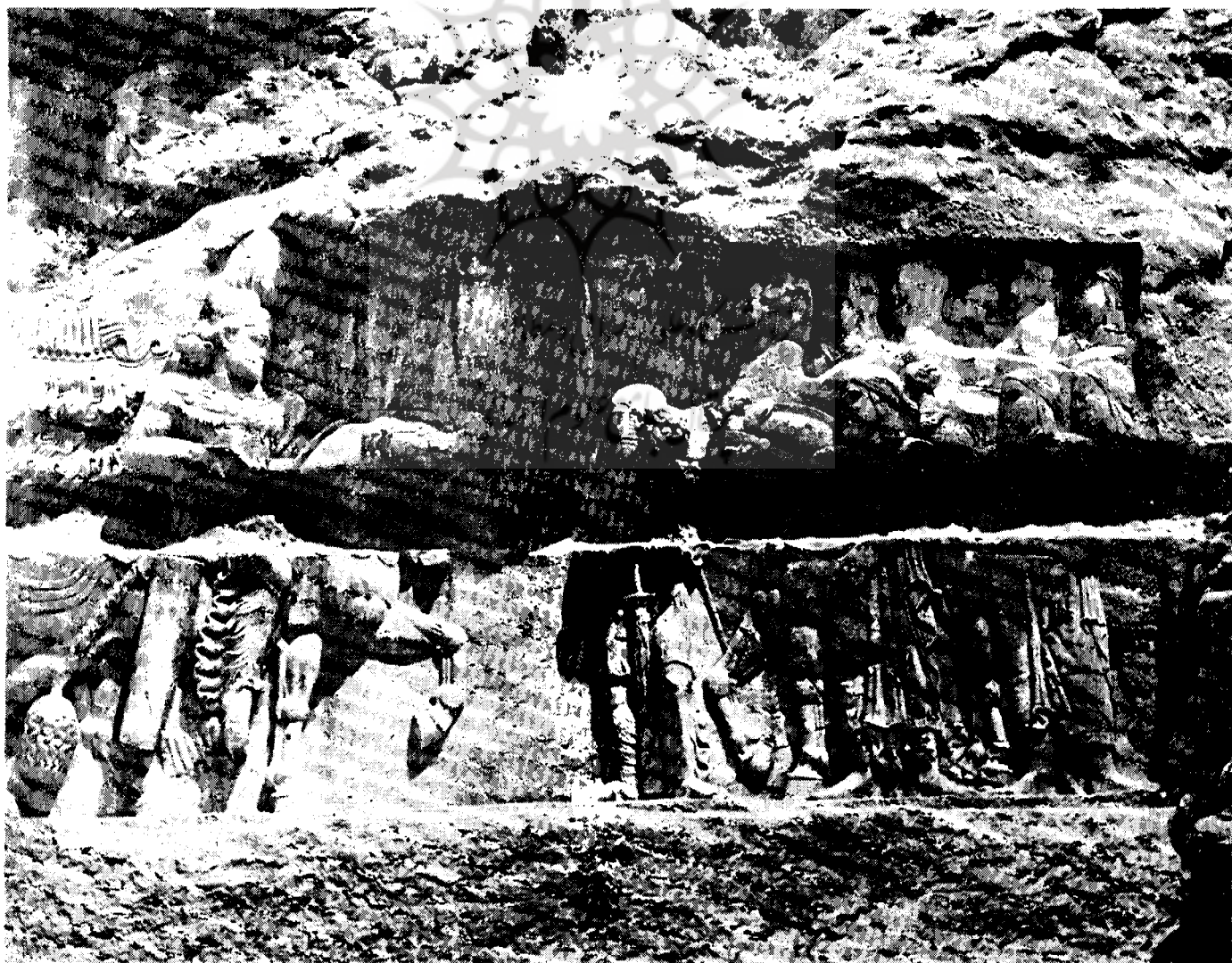
پائین چپ: پس از احداث کانال انحرافی توسط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران. کارگران مشغول تخریب پایه‌های کانال قدیمی از جلوی نقش برجسته‌ها میباشد.



اینست پیکر مزدپرست خداوندگار نرسه شاهنشاه ایران وانبیران (غیرایران) از نژاد خدایان پسر مزدا پرست خداوندگار شاپور شاهنشاه ایران و غیر ایران نبیره اردشیر شاه شاهان . بطوریکه مشاهده میشود کتیبه مربوط به نرسی پسر دیگر شاپور است که بعد از بهرام سوم پسر بهرام دوم سلطنت رسید ، و هیچگونه ارتباطی با پیکر بهرام اول و مراسم تاجگذاری او ندارد ، و تاج بهرام هم مانند تاج سایر شاهنشاهان ساسانی کاملاً شناخته شده است . پس غرض از ذکر این کتیبه در زمان نرسی درحاشیه این نقش اثبات حقیقی است که نرسی باطناً به آن اعتقاد داشته و در کتیبه پایکولی بصراحت آمده و برای کسب آن مبارزه و کوشش نموده است . نرسی پسر شاپور در زمان پدر تا سال ۴۷۶ میلادی فرمانروای سراسر استانهای شرقی بود و بهمین جهت از تاج و تخت بدور ماند ولی همیشه خودرا مستحق جانشین پدرش شاپور میدانست ، و از متن کتیبه فوق‌الذکر نیز چنین استنباط میشود

که تخت شاهی ایران از جانب پدر به او رسیده است . نرسی که برای خود عنوان با امتیازی بنام بزرگ آریایی مزدپرست انتخاب کرده بود و بصورت يك انقلابی برای کسب شاهنشاهی ایران معرفی و اقدام نموده ، اقوام بسیاری اورا حمایت واری کرده‌اند ، که نام آنها در کتیبه پایکولی آمده است . ولی طغیان نرسی بر علیه بهرام دوم و حقیقی را که خودرا شایسته آن میدانست بحدی بود که حتی پیش از رسیدن سلطنت و کسب قدرت یکسری سکه‌های طلائی ضرب نمود ، ضرب این نوع سکه‌ها خاص شاهنشاه بود و بس ، در واقع او خودرا شاه میدانست و ضرب سکه‌های او نشانه شورش او بود . ولی در زمان بهرام سوم تصمیم به اقدام گرفت و بدون هیچگونه خونریزی به مفر سلطنتی راه یافت و خود را شاهنشاه خواند و بعد قدرت های سیاسی و مذهبی را در دست گرفت حتی سرپرستی معبد آناهیتا را خود عهده‌دار شد . و مقام آناهیتا را به حد اهورامزدائی رسانیده بطوریکه در مراسم

سیمای نقوش پس از برداشتن پایه کانال قدیمی. آثار فرسایشی نقش برجسته در اثر جریان آب درگذشته کاملاً نمایان است.

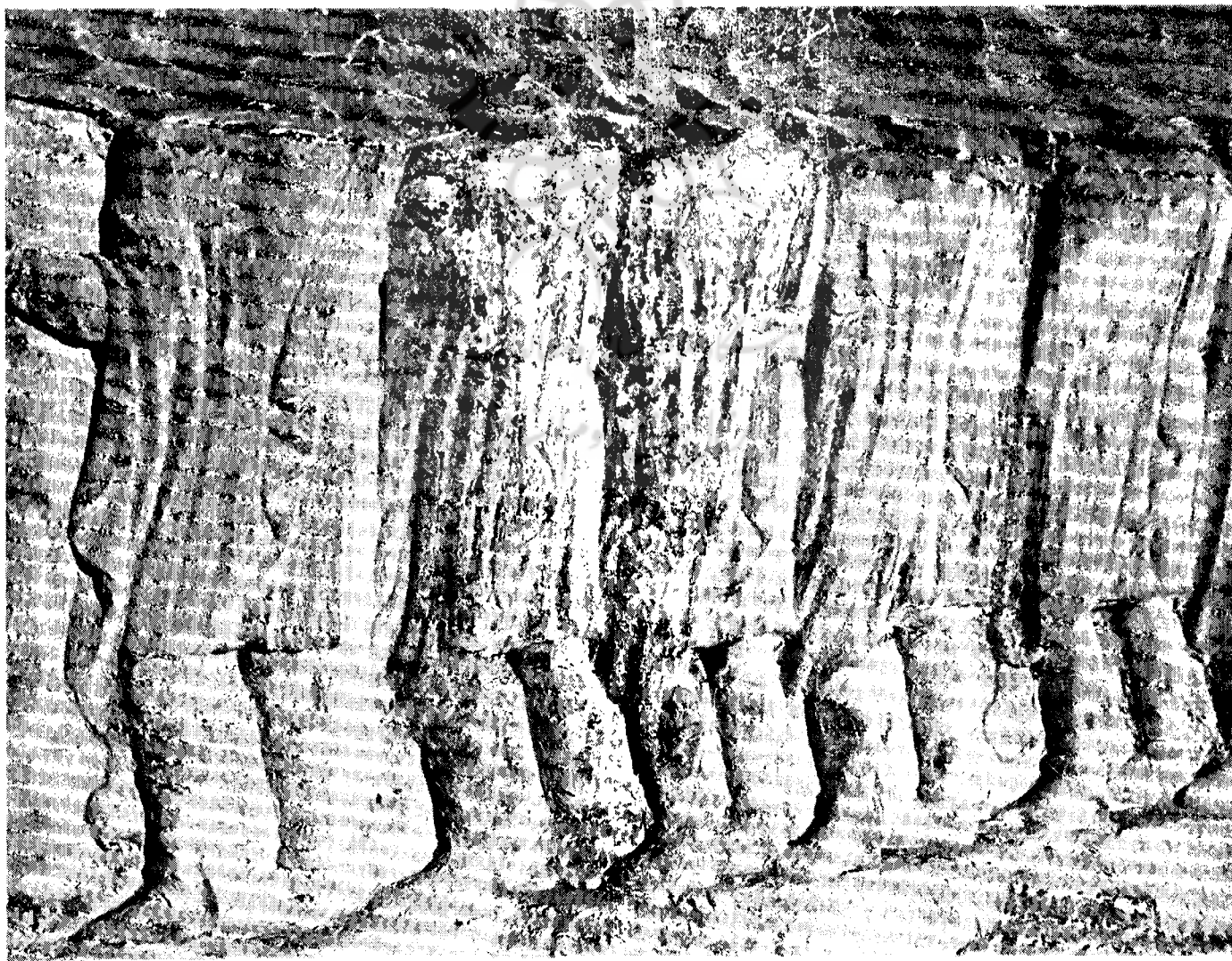




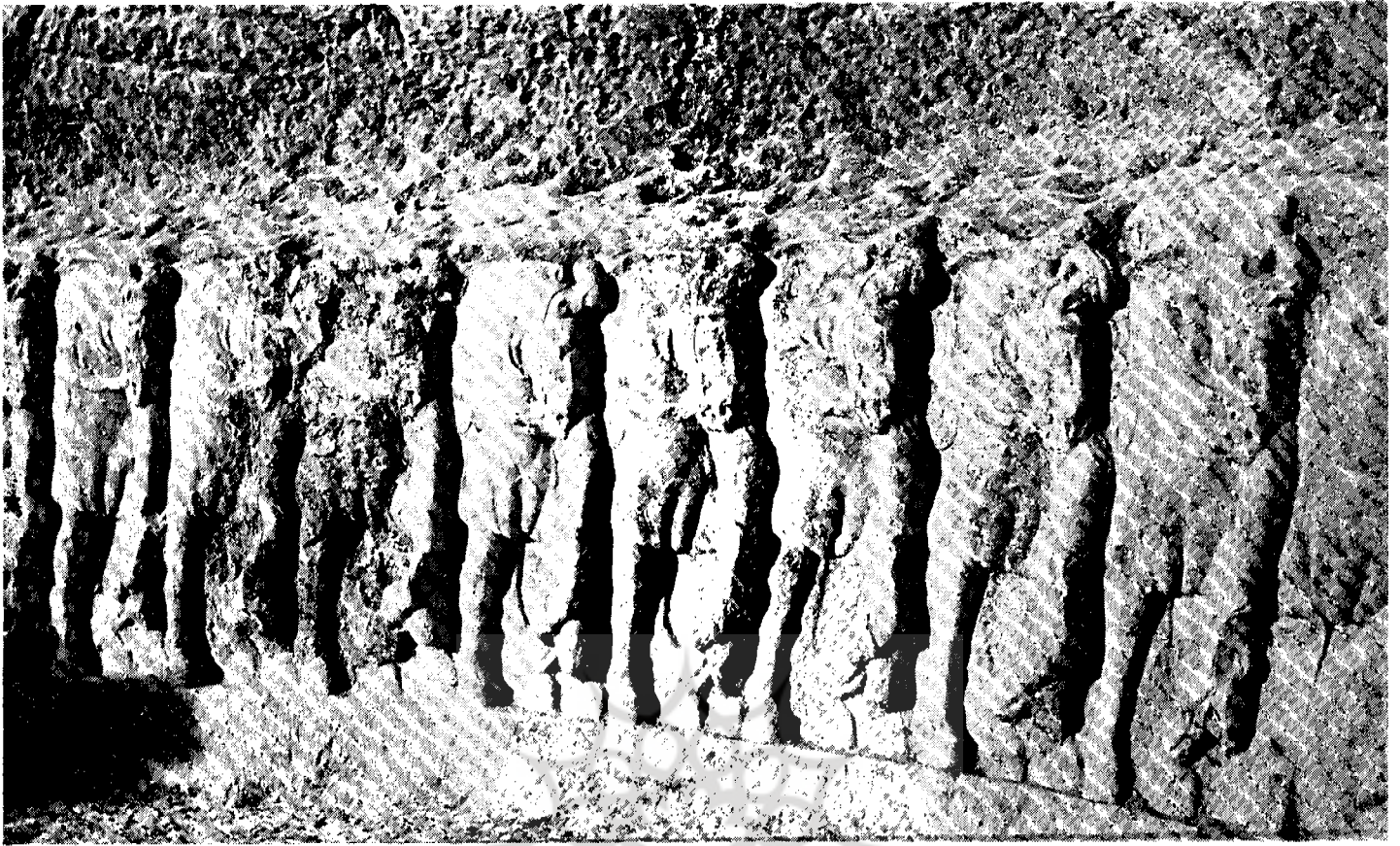
تاجگذاری فره ایزدی را بجای اهورامزدا از الهه آناهیتا دریافت میکند ، و پیروان مانی را علیرغم اعمال هرمز و بهرام ، و بهرام دوم مورد حمایت قرار داد . و روزگاری نظیر روزگار پدرش شاپور را تجدید کرد . نرسی در طول شاهنشاهی بسیار از مخالفین را برانداخت و برکنار کرد که از متن کتیبه پایکولی با این برکناران آشنائی داریم که از آنجمله اند سران دودمان قارن ، خواتوهای اندیکان : فرماندار و هونم ، و آذر فرنبغ شاه میشان که نرسی در مورد او می نویسد : تاج از سر شاه میشان برگرفتم و او را از تخت شاهی و شهر یاری برکنار کردم . با این توصیف آیا نقش مذکور که در زمان نرسی در زیر پای پیکر تصویری نرسی پدید آمده است آذر فرنبغ شاه میشان است که تاج از سرش گرفته شده ؟ آیا هرمزد اردشیر یا بهرام اول برادر اوست که بنظر نرسی غاصب شاهنشاهی بوده با بهرام سوم که قیافه کاملاً جوان و بدون ریشی دارد . یا یکی از سرداران کوشانی

شاید در بررسی و مطالعات بعدی از نظر پیکرتراشی کاملاً شناخته و روشن گردد . اما از مطلب خیلی دور افتادیم موضوع تحت این عنوان بود ، نقش برجسته های که دوبار ظاهر شد در آنچه گذشت با نقش مغلوب و درغلطیده و لگدمال زیر سم اسب بهرام اول که دوبار ظاهر شده آشنا شدیم اما دومین نقش برجسته که در تنگ چوگان نمودار شده است ، از یک سری نقوش مربوط به چهارمین نقش سمت چپ رودخانه شاپور در این تنگ است : تصاویر این نقش نمایانگر پیروزی شاپور به امپراتوران روم است که بصورت یک صحنه ضیافت در لوحی تقریباً مربع شکل و منحنی در سینه کوه حجاری گردیده است (پیش از پیدا شدن آخرین ردیف تصاویر نقش مورد بحث بصورت مستطیل مقعر بنظر میرسید در سمت راست تصویر سربازان و اسیران رومی در حال آوردن هدایا و غنائم جنگی هستند و در حالیکه نقش شاپور در مرکز صحنه حجاری گردیده و فرشته پیروزی به او تاج بخشی میکند ، زیر سم

نقش برجسته اسرای رومی پس از پاک کردن از قشر رسوبات آب. بطوریکه در تصویر فوق دیده میشود بعثت جریان آب درجوی قدیمی تمامی سر این اسیران از بین رفته است. این نقوش برای اولین بار دیده و معرفی میشوند .







ردیفی از اسبهای سرداران ایرانی در مجلس پیروزی شاپور بر امپراتوران روم که اخیراً ضمن تخریب کانال قدیمی نمودار شده‌اند.

اسب شاپور گوردیانوس امپراتور روم و در جلوی اسب فلیپ عرب نقش شده، شاپور سوار بر اسب و دست والسرین را بعنوان اسارت در دست دارد. در سمت چپ این صحنه گارد شاهنشاهی و سرداران ایرانی که همگی بر اسب سوارند نقش شده‌اند. در حقیقت این صحنه از نقش شاپور در مرکز حجاری واقع شده، و سایر نقوش که در ه صف قرار گرفته‌اند در اطراف نقش اصلی بوجود آمده است (قبلاً از این ه قسمت فقط ه قسمت نمایان و معرفی شده و برای اولین بار، پس از گذشت متجاوز از سیصد سال ردیف پنجم یا آخرین ظاهر و معرفی میشود) رومیان در سمت راست تصویر، ملیس به قبای رومی میباشند، و هدایائی نظیر فیل و اسب و ظروفی مانند طشت و جام و کوزه، و قدح‌ها، و پرچم و دیگر اشیاء و حتی عرابه‌های جنگی پیش کش مینمایند. در بالای همین تصاویر کسانی دیده میشوند که کیسه‌های زروسیم و تاج، و دوشیر با خود آورده‌اند.

و اما ردیف تصویری که اخیراً ظاهر شده و به نقش فوق‌الذکر جلوه خاصی بخشیده است کاملاً متناسب و هم‌آهنگ با نقوش فوق‌الذکر است، در سمت راست همان رومی‌ها در حال پیش‌کشی ظروف و قدح‌ها میباشند و در سمت چپ

سرداران ایرانی همه سواره‌اند، و اسبها در کمال شادابی با زینت‌های نقوش و نگار و لگام‌های متنوع که اکثراً با گل زراس ه تا ه پر تزئین شده و در حالت چهارنعل می‌باشند نقش شده است. متأسفانه جریان آب تمامی سروکله انسانهای این ردیف از نقش را از بین برده است. با وجود براین ظاهر شدن این ردیف از نقوش به نقش برجسته گذشته ابهت و عظمت چشم‌گیری داده است.

در پایان به استحضار میرساند این گزارش مقدماتی بطور اختصار فقط بمنظور معرفی نقوش مکتشفه میباشد و پس از مطالعه و بررسی کامل و شناخت بیشتر گزارش نهائی و مستند تقدیم خواهد شد.



جزئیات آرایش اسپهای سرداران ایرانی پس از پاكشدن از قشر رسوبات آب.